



فمینیسم برای همه

سیاستی پرشور | بل هوکس | الهه محمدی |

Feminism is for Everybody

Passionate Politics

Bell Hooks

Elahe Mohammadi

فمینیسم برای همه

سیاستی پرشور

بل هوکس

ترجمه الهه محمدی

ویراستار: وحید میره بیگی

نمونه خوان: فهیمه اسدی

طراح یونیفرم: سیاوش تصاعدیان

طراح جلد: محیا راد

صفحه آرا: نرگس نیک زاد

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ اول، زمستان ۱۴۰۴ تهران، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹-۲۰۴-۳۱۳-۶۲۲-۹۷۸

انتشر بی دگل | Bidgol Publishing co. |

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

bidgol.ir

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۳	پیشگفتار نویسنده بر ویرایش جدید
۱۷	مقدمه: با فمینیسم بیشتر آشنا شوید
۲۳	فصل ۱. سیاست فمینیستی: موضع ما
۳۱	فصل ۲. آگاهی‌افزایی: تغییری مداوم در قلب
۳۹	فصل ۳. خواهرانگی هنوز قدرتمند است
۴۵	فصل ۴. آموزش فمینیستی برای آگاهی انتقادی
۵۳	فصل ۵. بدن‌های ما، خود ما: حقوق باروری
۵۹	فصل ۶. زیبایی درون و بیرون
۶۷	فصل ۷. مبارزه طبقاتی فمینیستی
۷۷	فصل ۸. فمینیسم جهانی
۸۳	فصل ۹. زنان در محل کار
۹۱	فصل ۱۰. نژاد و جنسیت
۹۷	فصل ۱۱. پایان دادن به خشونت
۱۰۵	فصل ۱۲. مردانگی فمینیستی
۱۱۱	فصل ۱۳. فرزندپروری فمینیستی
۱۱۹	فصل ۱۴. عشق ورزیدن دوباره: جوهره فمینیسم
۱۲۵	فصل ۱۵. معنویت فمینیستی
۱۳۱	فصل ۱۶. فمینیسم آینده‌نگر

مقدمه مترجم^۱

من ترجمه این کتاب را در فضا و شرایطی خاص شروع کردم؛ شرایطی که در آن با پرسش‌هایی از سوی زنان جوانی روبه‌رو می‌شدم که می‌پرسیدند: «فمینیسم یعنی چی؟ چطور می‌شه فمینیست شد؟» و نمی‌خواستند توضیحات قلمبه‌سلمبه بشنوند. به همین دلیل تصمیم گرفتم این کتاب را ترجمه کنم، چون باور دارم دغدغه ساختن دارد و فقط اعتراض نیست و با زبانی ساده و دقیق می‌تواند برای کسانی که تازه با فمینیسم آشنا می‌شوند راه را روشن کند. بر اساس این کتاب، جنبش زنان نه مردستیزانه است، نه مختص زنان و نه نظریه‌ای صرف؛ بلکه راهی است برای تغییر زندگی فردی و جمعی.

گلوریا واتکینز^۲، با نام مستعار بیل هوکس^۳، در این کتاب کوچک به بررسی ماهیت فمینیسم و نوید آن برای گذر از سکسیسم^۴، استعمار جنسیتی و ستم می‌پردازد. هوکس با قاطعیت و صراحتِ منحصر به فردش خوانندگان را تشویق می‌کند تا پی ببرند که فمینیسم چگونه می‌تواند زندگی‌شان را تغییر دهد و اینکه فمینیسم برای همه است. فمینیسم برای همه، اثری مهم و درعین حال ساده‌فهم

۱. همه پانویس‌ها از مترجم است؛ مگر آنهایی که ویراستار افزوده و در انتها علامت «و.» دارند.

2. Gloria Watkins

3. Bell Hooks

۴. در تمام متن از خود کلمه سکسیسم به جای معادل آن «تبعیض جنسیتی» استفاده شده است.

است که بل هوکس آن را به منظور افزایش درک عمومی و ریشه‌ای فمینیسم نوشته است. او در مقام منتقد فرهنگی، روشنفکر و نویسنده فمینیست بیشتر به نوشتن کتاب‌های کلاسیک مشهور است؛ از جمله مگر من زن نیستم^۱، بدن سیاه^۲، همه چیز درباره عشق^۳، مرا عاشق خودت کن^۴، همبستگی^۵، ما واقعاً باحالیم^۶، کجا ایستاده‌ایم؟^۷، آموزش سرپیچی^۸، آموزش جامعه^۹، فرهنگ قانون شکنی^{۱۰} و از سردرگمی تا واقعیت^{۱۱}. بل هوکس، استاد ممتاز انجمن مطالعات آپالچی^{۱۲} در دانشگاه بریا^{۱۳}، در ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۵۲ در کنتاکی متولد شد و در ۵ دسامبر ۲۰۲۱ درگذشت.

من به ناچار ۱۷ ماه از جامعه منفک شدم. تفکیکی از جنس آجر و سیمان. بعد از این دوران شاهد بودم که علاوه بر تغییراتی که در جامعه رخ داده بود، عده‌ای از مردان درباره موضوعات مربوط به زنان بیشتر بحث و گفت‌وگو می‌کنند. آنها در پی شناختن جنبش زنان، تلاش برای ایجاد برابری و تحلیل مردانگی مرسوم بودند و می‌خواستند در این مورد بیشتر بدانند. بل هوکس این موضوعات را در این کتاب به خوبی پرورانداده است. او برای تعریف فمینیسم، نقد مردسالاری و دگرجنس‌گرایی هنجارین، از مبارزه با سکسیسم در نظام مردسالار و خشونت و ستمی می‌گوید که نظام یافته است و فقط به زنان آسیب نمی‌زند. به همین دلیل، او مبارزه فمینیستی را مبارزه با «مردان» یا «مردانگی» نمی‌داند و جایگاه ویژه‌ای را به بررسی موضوع

1. *Ain't a Woman*
2. *Bone Black*
3. *All About Love*
4. *Rock My Soul*
5. *Belonging*
6. *We Real Cool*
7. *Where We Stand?*
8. *Teaching to Transgress*
9. *Teaching Community*
10. *Outlaw Culture*
11. *Reel to Real*
12. Appalachian Studies Association
13. Berea College

مردانگی، فرهنگ سلطه و فرزندپروری مردان داده است. هوکس این مضامین را در دورانی مطرح می‌کند که همچنان در بخش عمده‌ای از ادبیات فمینیستی کمتر مورد توجه بودند یا حتی حاشیه‌ای تلقی می‌شدند؛ به‌ویژه در جریان‌های غالب یا لیبرال.

در دهه ۱۹۹۰ و اوایل سال ۲۰۰۰، در موج سوم فمینیسم، بحث مردانگی و فرزندپروری مردان به نسبت به حاشیه رفته بود یا به حوزه‌های جداگانه‌ای مانند روان‌شناسی مردان، مثل آثار رابرت بلای^۱ واگذار شده بود. بلای شاعر، نویسنده و مترجم آمریکایی بود که در دهه ۱۹۹۰ با انتشار کتاب *پرفروش مرد آهنی: زندگی‌های مردانه و آرکی تایپ‌های کهن*^۲ با الهام از روان‌شناسی یونگی و افسانه‌های کهن، مردان را به سفری درونی دعوت کرد؛ سفری برای بازپس‌گیری «روح مردانه» گم‌شده‌شان. به باور او مدرنیته، فمینیسم و فعال بودن پدر در تربیت فرزندان، مردان را از تماس با هویت عمیق و اصیل مردانه‌شان دور کرده است. بل هوکس دقیقاً می‌خواست رودرروی این گفتمان بایستد و به‌خوبی از پس این کار برآمد و در دل نظریه‌پردازی فمینیستی، از لزوم آگاهی‌افزایی به مردان، همراه با آنها و خطاب به آنها نوشت. نویسندگان و منتقدان متعددی به اهمیت این کتاب پرداخته‌اند. به گفتهٔ روکسان گی^۳، نویسنده و فمینیست شناخته‌شده: «هوکس فمینیسم را در دسترس همه قرار می‌دهد و این کتاب به‌ویژه دریچه‌ای است برای کسانی که احساس کرده‌اند از این گفت‌وگو کنار گذاشته شده‌اند.»

کیمبرلی کرنشاو^۴، از پیشگامان نظریهٔ درهم‌تنیدگی^۵، در سخنرانی‌ای دربارهٔ نقش بل هوکس در گسترش مفاهیم بینافردی و بینافکری در فمینیسم گفته است: «بل هوکس به یادمان آورد که فمینیسم می‌تواند حامل عشق و کار عاطفی باشد.»

1. Robert Bly
2. *Iron John: A Book About Men*
3. Roxane Gay
4. Kimberlé Crenshaw
5. Intersectionality

بل هوکس سال‌ها پیش از کرنشاو جوهره نظریه درهم‌تنیدگی را در آثارش بسط داده بود؛ به‌ویژه در کتاب مگر من زن نیستم؟ زنان سیاه‌پوست و فمینیسم. او در این کتاب نیز برای توضیح هرچه دقیق‌تر فمینیسم به بررسی تأثیر متقابل نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی، گرایش جنسی و هویت جنسیتی بر تجربه افراد پرداخته است. در جهانی که «فمینیسم» بارها تحریف و تجاری‌سازی شده، بل هوکس با زبانی روشن و بی‌پرده این مفهوم را از نو تعریف می‌کند؛ تعریفی که برای همگان ملموس، جسورانه، رادیکال و ساختارشکن است. در این کتاب، هوکس نشان می‌دهد که فمینیست بودن صرفاً به زن بودن یا تجربه ستم خلاصه نمی‌شود. او تأکید می‌کند که فمینیسم انتخابی آگاهانه و سیاسی است، نه هویتی زیستی یا فرهنگی. او فمینیسم را تنها جنبشی برای برابری جنسیتی نمی‌داند، بلکه آن را مبارزه‌ای رادیکال علیه همه اشکال ستم — پدرسالاری، سرمایه‌داری، نژادپرستی و امپریالیسم — می‌بیند. او با نقد نئولیبرالیسم و «زن‌سالاری نمایشی» تلاش کرد فمینیسم را از ورطه ساده‌سازی و بازنمایی بیرون بکشد و آن را به ابزاری فراگیر برای آزادی واقعی تبدیل کند.

از سروناز احمدی سپاسگزارم که چه در روزهای دشوار زندان و چه بیرون از آن با مسئولیت‌پذیری و دلسوزی در ویرایش این کتاب همراه و هم‌دل بود و نیز از ناهید تقوی، آنیسا اسداللهی، غنچه قوامی و نیلوفر بیانی که از راهنمایی‌هایشان در ترجمه این کتاب بهره بردم. از وحید میره‌بیگی هم سپاسگزارم که زحمت ویرایش ترجمه را بر عهده داشت. در پایان، امیدوارم این کتاب برسد به دست همه کسانی که در خیابان، خانه، مدرسه یا زندان این سؤال را از خودشان پرسیده‌اند: «فمینیسم یعنی چه؟ و ما برای ساختن دنیایی بهتر چه باید بکنیم؟»

پیشگفتار نویسنده بر ویرایش جدید

بیش از چهل سال است که درگیر نظریه و کنش فمینیستی ام و با افتخار می‌توانم بگویم که هر سال تعهدم به جنبش فمینیستی، مبارزه با پدرسالاری و تغییر دادن آن قوی‌تر شده است. بیش از هر زمان دیگری تلاش می‌کنم دیگران را در شادی‌های بخش این مبارزه سهیم کنم؛ شادی‌ای که زندگی ما را دگرگون می‌کند و امید به پایان سکسیسم، بهره‌کشی و ستم جنسیتی را زنده نگه می‌دارد؛ چه زن باشیم و چه مرد.

از همان آغاز فعالیت فمینیستی ام، بیش از هر چیز به راه‌اندازی جنبشی گسترده علاقه داشتم. در بیست‌سالگی باور داشتم که این جنبش می‌تواند عدالت اجتماعی را محقق کند و زندگی همه ما را تغییر دهد. به همین دلیل سعی کردم برای آموزش تفکر و کنش فمینیستی به مخاطبان بیشتر، و توده‌های مردم، راهی پیدا کنم. بسیاری از نوشته‌هایم به‌دست افراد ناآشنا با فمینیسم هم رسید؛ به‌ویژه سیاه‌پوستان. اما از آنجا که بیشتر آن نوشته‌ها را در دوران دانشجویی یا استادی دانشگاه نوشتم، مشغله زیاد نگذاشت طوری که می‌خواهم به‌دست طیف وسیعی از مخاطبان برسانمشان. معمولاً مردم کتابی را می‌خرند که آن را در کتاب‌فروشی دیده باشند یا خبری و نقدی از آن شنیده باشند. اما وقتی اثری خلاف جریان غالب و پیشرو باشد، خیلی کم پیش می‌آید که در رسانه‌های اصلی به معرفی و نقدش پردازند.

خوشبختانه کتاب‌هایم با وجود آنکه به ندرت مورد نقد و بررسی قرار گرفت، خواننده‌های خودش را پیدا کرد. بی‌شک یکی از راه‌هایی که باعث شد این آثار کمتر انعکاس یافته در رسانه‌های جریان اصلی خوانندگان خود را بیابند، این بود که در برنامه‌های درسی گنجانده شدند. علاوه بر این، وقتی خوانندگان می‌گویند: «این کتاب زندگی من را نجات داد»، این تبلیغ‌های غیررسمی هم به فروش کمک می‌کند. وقتی به این چهل سالی نگاه می‌کنم که داشتم دربارهٔ نظریهٔ فمینیستی می‌نوشتم، شگفت‌زده می‌شوم: آثارم همچنان خواننده دارد و هنوز به آگاهی‌افزایی انتقادی مخاطبان کمک می‌کند.

سال‌ها گذشت و در دانشگاه‌ها صداهای متنوع‌تر زنان و مردانی شنیده شد که نظریه‌های فمینیستی و نقدهای فرهنگی ارزشمندی را تدوین کردند و به تدریج دانشگاه‌ها به اصلی‌ترین بستر گسترش اندیشهٔ فمینیستی تبدیل شدند. این روند تأثیر مثبتی بر دانشجویان داشته است، چون فرصت بیشتری برای آشنایی با قدرت و اهمیت تفکر و کنش فمینیستی فراهم کرده است. اما در عین حال بر گسترش مشارکت عمومی در جنبش فمینیستی تأثیر منفی‌ای گذاشته و باعث ماندگاری این اندیشه‌ها در دانشگاه‌ها شده و کمتر به ذهن توده‌های مردم راه پیدا کرده است. در دوران کارشناسی به آگاهی کامل فمینیستی رسیدم. تحت تأثیر کلاس‌های مطالعات زنان و کتاب‌هایی که می‌خواندیم ذهنم دگرگون شد. اما چون در خانواده‌ای با شش دختر و یک پسر بزرگ شده بودم، می‌خواستم مادر، خواهر و برادرایم و همهٔ اطرافیانم هم مثل من شیفتهٔ تفکر فمینیستی شوند. عکس روی جلد این کتاب، تصویری از من و بهترین دوستم در اولین سال دانشگاهمان است. نژاد مانع دوستی ما نبود، چراکه مسائل مشترک طبقهٔ کارگر ما را به هم نزدیک کرده بود. در این عکس، ما در اواخر دورهٔ نوجوانی هستیم: نزدیک بیست‌سالگی. وقتی به فمینیسم علاقه‌مند شدم، آپریل^۱ هم با من به کنفرانس‌ها آمد تا بیشتر با این

جنبش آشنا شود. حالاً بیش از چهل سال گذشته و ما هنوز باهم در سخنرانی‌های فمینیستی شرکت می‌کنیم. ما این حقیقت را با یادگیری و تجربه مسیر زندگی در کنار هم آموختیم که: «خواهرانگی، قدرتمند است.»

در تصمیم‌گیری برای اینکه چه بنویسم، همیشه متن را از جایی شروع کردم که تجربه‌های عینی و ملموسی داشتم؛ از آنچه در زندگی خودم و زندگی زنان و مردان اطرافم می‌گذشت نوشتم. سال‌ها می‌شنیدم که چه در فضای دانشگاهی و چه خارج از آن، بسیاری احساس می‌کردند نظریه و کنش فمینیستی را به خوبی درک نمی‌کنند. بسیاری اوقات دانشجویانی که در کلاس‌های مطالعات زنان شرکت می‌کردند و به آگاهی انتقادی رسیده بودند، می‌گفتند که توضیح دادن طرز فکر جدیدشان به خانواده و دوستان چقدر دشوار است.

بسیاری می‌گفتند نظریه فمینیستی «بیش از حد» دانشگاهی است یا «سرشار از کلماتی است که مردم عادی متوجه نمی‌شوند». با شنیدن این گلایه‌ها احساس می‌کردم که اگر نتوانیم سیاست‌های فمینیستی را برای همه ملموس کنیم، جنبش ما در رساندن پیامش شکست خورده است. بارها می‌گفتم که باید خانه به خانه برویم و تفکر فمینیستی را با مردم در میان بگذاریم (البته این ایده هرگز عملی نشد)، بعد به این نتیجه رسیدم که باید کتابی ساده و روان بنویسم که تفکر فمینیستی را توضیح دهد و مردم را تشویق کند که سیاست‌های فمینیستی را بپذیرند.

هیچ وقت باور نداشتم که جنبش فمینیستی باید مختص زنان باشد. در اعماق قلبم می‌دانستم که باید همه را به فمینیسم نزدیک کنیم؛ از زنان و دختران گرفته تا مردان و پسران. و تا زمانی که نتوانیم این کار را بکنیم جنبش فمینیستی هرگز موفق نخواهد شد. به دانشجویانم می‌گفتم می‌خواهم کتابی بنویسم که تفکر فمینیستی را به شکلی روشن توضیح دهد؛ کتابی که بتوانید با خودتان به خانه ببرید و آن را در اختیار خانواده، والدین، پدر بزرگ، مادر بزرگ و حتی اعضای کلیسا

بگذارید. عنوان «فمینیسم برای همه است» همچون شعاری، تمام پیام کتاب را در خود داشت. کتابی ساده، مختصر و روان که برای من تحقق یک رؤیا بود؛ چون از همگان دعوت می‌شود تا بیشتر با فمینیسم آشنا شوند.

